

طاووس ششپایان

جلد دوم

تالیف : فریده آرمان

طـاـووس

بـهـشـتـيـان

جـلـد دـوم

شناسنامه کتاب :

نام کتاب : طاووس بهشتیان جلد دوم

مؤلف و ناشر : فریده آرمان

نوبت چاپ : اول

تیراژ : ۱۵۰۰۰ نسخه

قطع : رقعی

تاریخ چاپ : زمستان ۱۳۷۰

چاپ از : چاپخانه احمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى أُمَّتِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَ يس
با نام و یاد خدا آغاز می کنیم که فرازنده کاخ آسمان و فروزنده
مشعل ستارگان است. آری، بنام آفریننده‌ای که دستگاه آفرینش
را طبق نظام دقیق و متقن خلقت کرد و به کلیه جانداران راز
زندگی آموخت و بنام خداوندی که بما عقل و هوش بخشید تا
از صفحات پر اسرار کتاب هستی درس توحید بخوانیم و ایمان
خود را بر پایه علم، استوار کنیم در حالیکه ما مردم در عصری
زندگی می کنیم که تمدن قوس صعودی را طی می کند و اخلاق
و معنویت قوس نزولی را و تنها راه علاج، ایمان به خدا بر اساس
علم است که انسان را در این برهه از زمان نجات خواهد داد.
آری، ایمان به خدائیکه نگهدارنده جهان است، خدائی

که در همه جا حاضر و از همه چیز حتی خاطرات دلها و نگاه گوشه چشمها آگاه است.

خدائی که گفتار و کردار انسان را بر اساس قضاوت عادلانه خود تحت بررسی قرار خواهد داد و نیکوکاران را پاداش و بدکاران را بکیفر خواهد رسانید و می‌دانیم ایمان نقش یک پلیس دقیق را در ضمیر بشر ایفا می‌کند و جلوی شرارت و تجاوز را می‌گیرد و ریشه مفاسد را می‌خشکاند و ایمان اگر از روی تحقیق و برهان نباشد مانند درخت بی‌ثمری است که بار سعادت و فضیلت نمی‌دهد و در برابر طوفان خشم و طغیان آز و حب جاه بزودی دگرگون و متزلزل می‌گردد و تنها آن ایمانی، سعادت انسانها را تامین می‌کند که بر پایه دلیل و دانش استوار شده باشد، همان ایمانی که از طرف خدای لایزال در نهاد و فطرت انسان ریشه دارد و او را به آخرین نقطه کمال که "خدا" هست همون می‌سازد و به اندیشه و سخن و رفتار او جهت می‌دهد.

و ما باید بدانیم آفرینش انسان در این قالب مادی و دنیوی بخاطر این است که انسان تکامل یابد و تدریجاً به آن سعادت نهایی که برای او مقرر شده برسد و به انسان اختیار داده شده که پس از شناخت، انتخاب کند و چون اختیار در کار است پس انسان می‌تواند سعادت و یا شقاوت را کسب کند و برای اینکه راهی با انتخاب و اختیار پیموده شود شرایطی لازم است.

اولین شرط این است که باید هدف را بشناسد و آیا
براستی برای یک فرد عاقل و مسلمان هدفی جز سعادت و
رستگاری جایز است؟

در حالیکه می‌دانیم ما در این دنیا همچون مسافری هستیم
که دنیا حکم یک تجارتخانه، یک میدان مبارزه و یک مدرسه را
دارد و ما نیز این را می‌دانیم در پایان این سفر تنها کوله بارمان
نامهٔ اعمال و در واقع همان مدرک تحصیلی ما خواهد بود که
بهمراه می‌بریم و اگر ما بعنوان شاگردی کوشا که زحمت کشیده
و دورانهای سخت تحصیل را طی کرده و به آن درجهٔ ایده‌آل
رسیده باشیم بدون شک در دنیای باقی در سعادت و راحتی بسر
خواهیم برد.

انشاءالله باشد که همگی در مسیر حق بسر بریم و دوران
زندگی را به بطالت پشت سر نگذاریم، زیرا می‌دانیم خداوند
بندگان را برای آخرت خلق کرده، راه را نشان داده و آدرس
معین شده است.

و نیز انسان را میان دو قطب فجور و تقوی رها کرده و آن
قطب را باو الهام نموده است و انسان اختیار دارد تا پا را به
معراج نور نهد و تا به "خدا" برسد و یا به عقب برگشته و تا
پست‌ترین و پائین‌ترین پرتگاه شهوت و هوس و تیره روزی سقوط
کند. در واقع انسان بین این دو مسیر آزاد است و آزاد آفریده
شده و هر انسانی با ارادهٔ آزاد خویش آنچنان عمل می‌کند که

ساخته شده است.

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ

بگو هر کس آن طور عمل می‌کند که شخصیت درونی او
ایجاب می‌کند. و در همین رابطه در سوره مبارکه شمس اشاره‌ای
موجود است.

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْتَهَا، فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيهَا

قسم به نفس ناطقه انسان و آنکه او را (در حد کمال)
بیافرید و به او شر و خیر را الهام کرد.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْنَهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْنَهَا

قسم به این آیات که هر کس نفس خود را از گناه پاک
سازد، به یقین رستگار خواهد شد. و هر که او را به کفر و گناه
پلید گرداند البته زیانکار خواهد گشت.

و این را باید بدانیم زیان در دنیای باقی غیر قابل جبران
است، زیرا بودند بندگانی از بندگان خدا پس از رفتن به عالم
باقی از خداوند تقاضای برگشت به دنیای فانی را داشتند.

رَبَّنَا ابْصُرْنَا وَ سَمِعْنَا فَأَرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً اِنَّا مَوْقِنُونَ

خدایا دیدیم و شنیدیم ما را برگردان تا کار شایسته انجام دهیم،
اکنون ما یقین داریم. ولی افسوس که جواب این است، باز گشتی
نیست، مگر پیامبران نیامدند و نگفتند؟ مگر حجت بر شما مردم
تمام نشد...؟

در حالی که ما مردم دنیا خوب می‌دانیم که حجت‌های بر

گزیده خداوند یکی پس از دیگری برای اینکه رسالت را به خوبی به پایان برسانند به قیمت گران و مصیبت‌هایی که به آنها رسید به بشریت خدمت کردند تا آنها در این دنیا سرگردان نباشند و دایره وار به دور خود نچرخند، و در واقع دچار تیه فی الارض نشوند، زیرا در تیه فی الارض چشم نمی‌بیند، گوش نمی‌شنود، و قلب کار نمی‌کند و رشد نیست بلکه فقط از حواس پنجگانه استفاده می‌شود و شخص دایره وار به دور خودش می‌چرخد.

در حالی که در سیر الی الله چشم می‌بیند گوش می‌شنود و قلب کار می‌کند، تشنه‌ها سیراب می‌شوند و بایاد خدا روز را به شب و شب را به صبح می‌رسانند و خدا را محبوب و گمشده خود می‌دانند و به هر کجا که نگاه می‌کنند فقط معشوق را می‌بینند.

و اگر گروهی از مردم دنیا محبت پروردگار و زحمت انبیاء و اولیاء را نادیده بگیرند باید بدانند در روز قیامت آنهایی که به بشریت خدمت کرده‌اند سر راه ما بندگان خدا می‌ایستند و اگر ما بر خلاف قانون خدا و گفته آن پیشوایان عزیز عمل کرده باشیم در واقع همان مصیبتی که ظالمان در این دنیا به سر آن رهبران دلسوز آورده‌اند، در آن دنیا فرشتگان خدا چند برابرش را بر سر گناهکاران خواهند آورد، بله، چیزی که عوض دارد گله ندارد، حق است و باید هم پذیرفت در حالیکه خداوند به حد

کافی در مورد آن روز موعود اخبار لازم را فرستاده و ما مردم در حال حاضر وقت جبران داریم بشرطی که امروز را به فردا نیندازیم. چه بسا فردا برای برگشت خیلی دیر باشد و نیز این را همه می‌دانیم زندگی دنیا با این رنجها و گرفتاریهای فراوان ولذتهای محدود و زود گذر و محرومیت‌ها و ستم‌های بیشمار نمی‌تواند هدف برای انسان باشد، بلکه این دنیا وسیله‌ایست برای هدف عالی‌تر و دائمی که همان سعادت و رستگاری در دنیای باقی است.

پس هدف ما باید سعادت و فلاح باشد، که فلاح در سایه تقوی و پرهیز از حرام امکان پذیر است و هنگامی که انسان اصل و قاعده تقوی را ملاک اعمال خویش قرار داد دیگر مطیع امیال خود نخواهد بود و زندگی را از دریچه چشم مادی خود که خور و خواب و نفس کشیدن حیوانی باشد نخواهد دید، بلکه زندگانی این عالم را مرحله‌ای از مراحل سیر روح و معنای ارزشمند خویش می‌شناسد و دیگر اینکه جهان عرصه و منزل همیشگی و جاودانی نیست، این را هر کس چه مؤمن و چه بی‌ایمان می‌داند که بالاخره روزی زندگی هر شخص به انتها می‌رسد، اما آنکه به حق، و به پروردگار عالمیان و به لطف و عنایت او معترف است بلکه به الطاف او خو گرفته، معتقد است که مرگ، فنای روح آدمی نیست و از این انتقال روح نگران نمی‌باشد زیرا او خواهان معبودی است که همه جا هست، دنیا و عقبی همه متعلق به اوست

و از او خالی نیست و این را می‌دانیم که خداوند همه هستی را برای انسان آفریده و انسان را برای عبادت و عبادت را برای تقوی و تقوی را برای رسیدن به رستگاری خلق نمود. به امید رستگاری.

و شرط دوم برای مؤمن این است که باید راه را بشناسد، که در اسلام فقط یک راه وجود دارد آن هم راه مستقیم است و در واقع صراط مستقیم همان راهی است، پلی است که یک طرف آن در طبیعت یعنی همین زمین که خود جهنم است و ما در حال حاضر در آن قرار داریم و یک طرف دیگر پل، بهشت است و آخر این پل و راه، مرتبه اش " لقاءالله " است آنجائی که غیر انسان مؤمن هیچ کس به آن راه ندارد.

و سومین شرط این است که مؤمن باید لوازم سفر را به همراه بردارد و لوازم سفر همان تقوی است و تقوی همان ملکه‌ایست که صاحب خود را از زیاده روی و هرج و مرج و هوسهای زودگذر حفظ کرده و او را به سوی هدفی معین و مشخص پیش می‌برد، متقی حقیقی کسی است که پیوسته مطیع اوامر الهی باشد، هرگز گناه نکند، همواره در یاد خدا باشد هرگز حق را فراموش ننماید، تمام نعمتهای الهی را شاکر باشد و کفران نعمت نکند و کسی که خودش را در محضر خدا بداند همین دانستن، خودش تقوی است.

و در همین رابطه حضرت رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: با

تقوی باشید و پرهیز از گناه کنید و عمر کوتاه و ناپایدار خود را فدای عمر پایدار کنید زیرا صاحب تقوی حائلی بین خالق و خود نمی‌بیند و معیار همه چیز برای او " الله " است وقتی مؤمن به تقوی دست می‌یابد بی بند و باری و کارهای شیطانی کنار می‌رود و من و مائی نمی‌ماند.

پس هر انسانی با ترازوی تقوی وزن می‌گردد و حال ای فرزندان آدم ایمان آورید و پرهیزگار شوید و نمیرید، مگر از مسلمانان باشید و با پرهیز از گناه در مقابل خدای سبحان کسب آبرو کنید پس هر کس ملکه تقوی را به همراه داشته باشد، در نزد پروردگار عزیز است، و تقوی سبب بشارت دادن ملائکه است هنگام مرگ، و سبب خلاصی از عذاب می‌باشد و تقوی مرکب راهواری است که انسان سوار بر آن می‌شود و آن مرکب او را تادل بهشت می‌برد و شخص با تقوی از صف کوران و مشارکت با هواپرستان خارج شده و کلید درهای هدایت و قفل درهای گمراهی و پستی شده است.

و در همین مورد از حضرت عیسی (ع) سؤال شده که چه کسی نزد خدا عزیزتر است حضرت دو مشت خاک را برداشتند و فرمودند: هر دو یکی است ولی آنکه پاک باشد نزد خداوند عزیزتر است و نیز فرمودند: انسانها به ملکوت آسمان راه نخواهند یافت مگر روح خودشان را همچون روح کودکان پاک کنند.

آری، اگر ایمان و تقوی در هر دیاری رعایت شود برکات زمین و آسمان بر آنها می‌بارد و درهای رحمت الهی به رویشان باز می‌گردد و در قرآن مجید بیش از هفتاد مورد بر کلمه تقوی تکیه شده، زیرا حیات طیبه بشر به تقوی است.

و حضرت علی (ع) نشانه‌های تقوی را در مؤمنین اینگونه بیان کردند

متقین در گفتار صادق هستند. وفای به عهد و پیمان دارند. ادای امانت کرده و بخل نمی‌ورزند و فخر نمی‌کنند ترحم بر ضعفا دارند و صله ارحام انجام می‌دهند و معاشرت را در حد نیاز ادامه داده و اعمال نیک را ترویج می‌دهند و دارای حسن خلق هستند و می‌دانند آن مسائلی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند و خدا را در خلوت ستایش کرده و در مصیبت صابر هستند. و در هنگام ترس راستگویند و حلم و بردباری در غضب دارند. برآستی خوشا به حال این مردم.

آری، متقین کسانی هستند که رضای خدا را مقدم بر خودشان می‌دانند و توجه به خواسته‌های خدا دارند و آیا برآستی در شرایطی که ما مردم داریم چه چیز بهترین است؟

إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا

اگر از خدا بترسید خداوند فرقان (یعنی فهم تشخیص باطل و حق را به شما می‌نماید) و نورانیت باطنی نصیب شما می‌گرداند.

پس دانستیم تقوی شرط اساسی شناخت حق است، و این است که اگر از هر اهل معرفتی سؤال شود چگونه می‌توان سراغ آقا و مولا امام زمان (ع) رفت که عین حق است، می‌گوید تو خود را اصلاح کن او به سراغ تو می‌آید. و شعر حضرت رضا (ع) در جواب نامهٔ مرحوم حاج اشرف اصفهانی اینطور نقل شده:

آینه شو، جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه، پس میهمان طلب

آری ای شیعیان علی بن ابیطالب (ع) دیگر وقت آن رسیده که با پاک سازی و با توبه به همراه عبادت و اطاعت از خدای لایزال میهمان عزیزى همچون "مهدی" را میزبان باشیم. زیرا علائم و شواهد و ... زمزمهٔ ظهور دارند، زمزمهٔ دیداری باشکوه دارند.

آیا براستی آمادگی آن را دارید؟

آیا براستی در زمرهٔ عباد صالح قرار گرفته‌اید تا در انتظار مصلح بسر برید؟

و آیا براستی اگر همین فردا ظهور اعلام شود ما باید چگونه باشیم تا از آن همه خوشبختی و سعادت وعده داده شده، بهره مند شویم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید (از خدا بترسید) و برای

رسیدن به او وسیله طلب کنید.

آری برای رسیدن به سعادت باید به دامن آن ریسمان الهی چنگ انداخت و نقل شده روزی حضرت رسول اکرم (ص) به اصحاب فرمودند کدام رشته از رشته‌های ایمان محکمتر است؟ بعضی پاسخ دادند نماز و بعضی روزه و بعضی جهاد و گروهی حج و عمره.

حضرت در جواب فرمودند: همه اینها با ارزش است لکن برترین رشته نیستند. بدانید محکمترین دستگیره ایمان
**الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَ تَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ التَّبَرُّي
 مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ**

دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا و پیروی از اولیاء خدا و بیزاری از دشمنان خدا است. اینها همگی محقق نمی‌شود مگر چنگ انداخت به دامن حُجَج الهیه.

آری سلام و درود بی پایان ما بر حجت‌های خدا که یکی پس از دیگری آمدند و رسالت خود را که نجات بشریت بود به پایان رساندند و آخرین آنها که حجت حاضر و حجت بر حق در روی زمین است که به یمن وجود شریفش عالم بر قرار می‌باشد.

آری، جهان یک بدن، و قلب طپنده جهان وجود امام زمان (ع) است و اگر قلب نباشد تمام بدن می‌میرد هر عضوی که ارتباطش با قلب بیشتر باشد شاداب تر است و هر عضوی که

پیوندش با قلب قطع شود و خون به آن نرسد فاسد گشته و می‌میرد.

و اگر ایشان نباشند جهان باقی نمی‌ماند و زمین به دور خورشید نمی‌چرخد، خورشید تاریک می‌شود، ماه می‌میرد، ابر نمی‌بارد، دریاها خشک می‌شود، انسانها نابود می‌شوند و زمین متلاشی و مخلوقات از بین می‌روند. پس همه به وجود مقدس ولی عصر (ع) است و نیز موجودات به برکت وجود مطهر ایشان است که قادر به ادامهٔ حیات هستند.

باشد که انتظار به پایان رسد و حضرت مهدی برای انجام رسالت، خود را آشکار سازد و با حمایت هوا خواهان و تودهای محروم و ستمدیده شعله‌های فساد را خاموش کرده و بشریت را در سایهٔ امنیت، آسایش و عدالت و... زندگی دوباره بخشد.

به امید آن روز باشکوه

منتظر در انتظارش باش

(پایان قسمت ششم طاووس بهشتیان)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى آلِهِ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَا وَ
 الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَ يس
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ
 لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای ایمان آوردگان، پایدار باشید و در شکیبائی پیشتاز شوید و
 دیده‌وری و مرزبانی نمائید و از خدا پروا کنید، امید است که
 رستگار گردید.

آری، ما مسلمانان جهان امیدواریم با پیروی از خدا و
 رسول خدا و حجت بر حق خدا از رستگاران باشیم.

و حال ای رستگاران بدانید هدف از نوشتن این جزوه‌ها
 که بایک انگیزه جدی توأم است دعوت شما عزیزان به
 هوشیاری و توجه به آن هدف والائی است که با وجود آقا امام

زمان (ع) به سر منزل مقصود می‌رسد.

و حال بیائید ای بندگان خوب خدا تا با یکدیگر سلام کنیم به آقا و مولایمان امام زمان (ع) به آن حجّت بر حق خدا و سلام کنیم به آن خورشید فروزان و سلام کنیم به آن مهتاب غمرنگ که با هاله‌ای اندوهبار، همچون اشگ در چشم آسمان می‌غلطد.

آری سلام کنیم به آن ناجی که نجات بخش محرومان جهان است همان محرومانی که انتظارش را می‌کشند تا بیاید و سوغات عدالت را بیاورد، در حالیکه باور دارند " او می‌آید " " او " که در امتداد خط انبیاء قرار دارد.

" او " که حامل شکوفه‌های رسالت و سلالهٔ عشق و ایمان است.

" او خواهد آمد " و باید بیاید که تخت‌های ظلم و ستم را بشکند.

و باید بیاید به یاری آن انسانهای در بندی که یکسره به انتظار مقدم پاکش در انتظارند،

آری، مردم خوب ایران و لبنان و فلسطین، و مردم مظلوم کربلا و نجف، پاکستان و هندوستان و مردم محروم جامو و کشمیر و دیگر مردم محروم در کشورهای در بند عالم و آن مردم خوب دنیا، آنهایی که برای پاسداری از دین مبین اسلام تا مرز مرگ ایستادگی می‌کنند و باور دارند با پیروی از پیشوایان

الهی به آن اهداف عالی دست خواهند یافت.

در حالیکه عالمیان در میان کولاک ستم ظالمان و در میان غبار اختناق بی دینان راه گم کرده‌اند و همچون یعقوب با بی صبری و فریاد یوسف گم گشته خود را می‌جویند تا راه سعادت و خوشبختی و امنیت را با وجود او بیابند.

آری او همان کسی است که وقتی بیاید غبار ستم را از چهره جهان می‌زداید، یاغی و طغیان‌گر را به جای خود می‌نشانند، ظلم و جور و جفا و جهل را نابود می‌کند، و مردم بیچاره را شادی می‌بخشد و بر لب خشکیده یتیمان بوسه می‌زند و بر سرشان دست نوازش می‌کشد و قلبهای مرده انسانها را جان می‌دمد و انتقام مادران داغ‌دیده را می‌گیرد و همه زشتیها را با شبنم سپیده می‌شوید.

و به پاس خون پاک مجاهدان به در هر خانه شهیدی شمع روشن می‌کند و همه تفنگهای بر خاک افتاده را بر دست می‌گیرد و بالأخره با ظهور مقدسش انتقام خون همه تاریخ را از پلیدیها خواهد گرفت، در حالیکه او همچون خورشید در پس ابرها پنهان است، و حال امید داریم باران رحمت ببارد و ابرها را کنار زند و خورشید حقیقت بر ملا گردد.

آری، منتظریم تا جلوه حق را بیابیم در حالیکه شقایقهای سرخ انقلاب به همراه فرشتگان فریاد می‌زنند برخیزید، برخیزید تا برای رهائی از انتظار جشن بگیریم، ولی این بار، نه با کاغذهای

به هم پیوسته خیابانها، و نه با شیرینی و شربت‌ها، و نه با گل‌های
توی گلدانها، بلکه این بار بیائید تا به جای کاغذها، دستهای به
هم پیوسته ما باشند.

و به جای شیرینی و شربت‌ها، محبت و عشق ما، در راه خدا
باشد.

و به جای گل و گلدانها، شقایق‌های پرپر، روئیده در
سنگ‌ها مان باشد.

آری، برخیزیم و بر سر ظالمان جهان فریاد زنیم که ای
غافلان کجائید، ای کسانی که دنیا بهشتتان شده و برای
نگهداشتن آن به هر جنایتی دست می‌زنید.

در حالیکه "مهدی" آن یار بیچارگان در همه جا حامی
ماست و ما آن روزی را می‌نگریم تا نابودی ظالمان و غاصبان
همچون "تو" را برای همیشه ببینیم و پس از آن امید داریم به آن
دوران وعده داده شده دست یابیم.

باشد که مسلمانان جهان با توجه به علائم و شواهد به آن
باور برسند که دیگر وقت آن رسیده است که هوشیار باشند و
دشمنان خود را بشناسند.

و دیگر اینکه ما باید علائم و شواهد را بدانیم و زمان ظهور
را طبق علائم دریابیم و نباشد که آنروز مبارک برسد و صرفاً به
خاطر بی اطلاع بودن از مسائل، جمعی از ما مردم اهمیت قضیه
را متوجه نشده و دچار زیانی جبران ناپذیر بشوند.

و حال وقت آن شده که بپرسیم آخر الزمان، به چه زمانی گفته می‌شود، و مردم آخر الزمان چه کسانی هستند.

در واقع باید گفت آخر الزمان، به یک زمان معلوم و محدودی گفته نمی‌شود بلکه آن وقتی آخر الزمان است که کلیه آن موضوعاتی که پیامبر اسلام (ص) و اولیاء خدا (ع) گفته‌اند عملی شوند، چنانکه قسمت اعظم آن عملی شده است.

و دیگر اینکه حضرت علی (ع) فرمودند علائم در کل دنیا اتفاق می‌افتد و چه بسا، بسیاری از علائم به وقوع نپیوندد ولی ظهور فرزند ما " مهدی " عملی شود.

و پیامبر اسلام (ص) مردم آخر الزمان را اینچنین معرفی کرده‌اند و باید بگوئیم طبق علائم، چون اکثر مردم آخر الزمان در گناه غرق می‌شوند که بیشتر این گناهان در سایه جهل، فقر، گرفتاری، لجبازی، ناباوری و یا ندانستن یک سری مسائل ... می‌باشد.

پس در این رابطه سوء تعبیر نشود، منظور آن عده از مردم گناهکار و بی‌ایمانی است که از اسلام دوری کرده و آن را یاری نمی‌کنند و نه شما عزیزان که انشاءالله از مؤمنین و صالحان هستید و امید داریم که طبق وعده الهی از وارثان زمین باشید و با یاری خدا و آقا امام زمان (ع) گذشته غم انگیز هر کدام از شما مردم دنیا با شادی و خوشبختی توأم باشد و نیز این را باور داریم که همه مردم دنیا گرفتارند مخصوصاً شیعیان علی بن ابیطالب که

از گرفتاری بیشتری برخوردارند، و گاهی برای ما سؤال است که آیا در این برهه از زمان کسی هم هست که بگوید من راحت و خوشبختم؟ و اگر چنین کسی باشد و اقرار به خوشبختی و آسایش کند شاید معنایش این است که از همه آن انسانهای در بندی که ستم ظالمان، همچون زنجیر محکمی به پای آن عزیزان بسته شده است، غافل می باشد.

و گرنه مگر می شود غم و درد و بیچارگی دیگران را نادیده گرفت؟

و آیا مگر می شود اشک چشم یتیمان جهان را نادیده گرفت؟

و آیا مگر می شود غم و درد بیوه زنان غمگین را نادیده گرفت؟

و آیا مگر می شود داغ دل مادران عزیز از دست داده در عالم هستی را نادیده گرفت؟

و آیا مگر می شود فقر و غربت عده‌ای از عزیزان و بندگان آواره خدا را که در کوه و دشت به دنبال یک سر پناه هستند را نادیده گرفت؟

و آیا مگر می شود اسیران در بند اسارت مانده را نادیده گرفت؟

و بالأخره، آیا مگر می شود، اشک چشم پاک امام زمان را که از دست مردم دنیا و برای مردم دنیا جاری است نادیده

گرفت؟

همان " مهدی عزیز " که وقتی غمگین است، منتظرانش، دوستانش، غمگین می‌شوند، در حالیکه هیچ دلیلی برای غمگین شدن خود ندارند.

آری، ای مؤمنین بدانید هر وقت بدون دلیل، غم تمام وجود شما را گرفت و هر وقت احساس کردید آب شدن قلب خود را حس می‌کنید، معنایش این است که " مهدی عزیز " در آن ساعت بیشتر از هر وقت دیگر غمگین می‌باشد.

و حال ای مؤمنین به خودتان بنگرید در روزهای جمعه، مخصوصاً در غروب روزهای جمعه، آنوقت متوجه می‌شوید، ما چه می‌گوئیم، زیرا هر جمعه که به غروب می‌رسد مهدی عزیز بیشتر از هر روز دیگر ناراحت و غمگین می‌شود و به این باور می‌رسد که این جمعه هم گذشت ولی خداوند اذن ظهور را نداد.

و حال ای مشتاقان امام زمان علیه السلام بیائید در روزهای جمعه که روز خدا و روز ظهور یگانه منجی عالم بشریت است عاجزانه از خداوند تقاضای ظهور آن ناجی در غربت مانده را داشته باشیم و بیشتر از این انتظار برای خودمان و فراق را بر ایشان روا مداریم.

و بدانید ای مؤمنین به خدا قسم دیگر وقت آن رسیده است که قیام کنید به عنوان یک مسلمان مؤمن و با خاصیت و زنده که قلبی آکنده از مهر و محبت و وفا و فداکاری دارد، و با

حرکتی وسیع و با اعمالی صالح در حالی که از گذشته بد خود توبه کرده باشیم و بعد به دنبال آن ناجی بگردیم و تا او را نیافتیم آرام نشویم، آن وقت خواهید دید که امام زمان شما در کنار شما خواهد بود و شما مردم دیگر مشکلات گذشته را نخواهید داشت.

آری در کنار قیام شما مردم خوب دنیا، شما مسلمانان جهان، قیام آن یگانه منجی عالم بشریت انشاءالله با یاری خدای مهربان حتمی است.

و قیام شما مردم می‌تواند در پاکسازی روح و جسم شما باشد و دیگر در گناه نکردن و توبه کردن و به دنبال حرام نرفتن و پی در پی دعا کردن به حضرت و فرج ایشان را از خدا خواستن و نیز فرستادن صلوات، به گفته خود ایشان در امر ظهورشان تأثیر به سزائی دارد.

آری، به امید ظهور با شکوه آقا امام زمان (ع) انشاءالله خوب وقت آن رسیده تا خصوصیات مردم آخر الزمان را از زبان پاک پیامبر اسلام (ص) نقل کنیم.

حضرت فرمودند مردم آخر الزمان صورتشان آدمیزاد ولی قلبشان قلب شیاطین است و نظیر گرگ هستند که رحم ندارند سفاک و خونریزند و از کارهای زشت خودداری نمی‌کنند و اگر تابع آنان شوی تو را از خود می‌رانند و اگر از نظر ایشان دور شوی از تو غیبت می‌نمایند.

و اگر تو آنان را امین بدانی به تو خیانت می کنند.
 کودکان ایشان با ناز و تکبر و جوانشان شوخ و بی باک و
 پیرانشان امر به معروف و نهی از منکر نکنند.

در آن زمان شخص مؤمن ضعیف و شخص فاسق در میان
 ایشان شریف خواهد بود. عده‌ای مذمت خدا کنند در حالیکه
 یکی گوید نفروختم و دیگری گوید نفعی نبردم. در این زمان
 شکم مردم، خدایان آنان، و زن، قبله ایشان، و پول دین ایشان
 باشد و دین را به دنیا می فروشند و مسجدها آباد ولی دلها خراب
 و در آن می نشینند و ذکر آنان دنیا و حُب آن خواهد بود.

و مردم در این زمان بد اخلاق شده و متابعت از شهوات
 می کنند و به هوا و هوس مایل شده و در این زمان نماز را ضایع
 کرده و پرستش خدا از روی ریا خواهد بود.

امانت داری و وفاداری کم شود و رشوه خواری و ربا
 خواری و گرانفروشی رواج یابد و دروغگوئی و شهادت دروغ
 در بین مردم متداول گردد.

و در این زمان از ایمان غیر از اسم و از قرآن غیر از درس
 و از اسلام غیر از رسم چیزی باقی نمی ماند.

پس شما با این گونه افراد نشست و برخواست نکنید، زیرا
 که خداوند احتیاجی به این گونه افراد ندارد و پس اگر درک
 کردید آنها را، بترسید و دین خود را حفظ کنید زیرا مسئول غیبت
 حضرت ولی عصر (ع) ستمگران بزرگ و کوچک هستند.

و بدانید بر امامت فرزندم " مهدی " استوار نمی‌مانند بجز کسانی که یقینشان قوی و سناختشان بسیار مستقیم باشد. خوشا بحال منتظرین امام زمان (ع) که در غیبتش انتظار می‌کشند و در ظهورش امر او را اطاعت می‌کنند که چه نیکو گفته است، خدای مهربان، منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم.

آری شکیبائی را پیشه خود سازید که فرج بعد از یأس و نومیدی خواهد بود و شما بندگان خوب خدا همچون طلا گذاخته می‌شوید، مانند طلای ناب از ناخالصی پاک خواهید شد. و نیز ابو حمزه ثمالی گوید: شنیدم از امام محمد باقر (ع) که می‌فرمود:

ای ابو حمزه " قائم " قیام نمی‌کند مگر زمانی که ترس و وحشت مردم را فرا گیرد و زلزله‌ها و فتنه و بلا به آنها رسد و پیش از آن بیماری وبا آید و جنگ خونین بین عرب و اختلاف شدیدی بین مردم واقع شود.

و مردم دینشان مختلف و احوالشان تغییر پیدا کند تا آنکه هر آرزومندی صبح و شام آرزوی مرگ کند و خروج آنحضرت در موقعی است که مردم مایوس و ناامید شوند. در مورد این روایت باید گفته شود هر آنچه مطرح شده به وقوع پیوسته است و نیازی به توضیح نیست ولی اشاره‌ای به بیماری وبا می‌کنیم.

آری، بیماری وبا قبل از ظهور آقا امام زمان (ع) که در بسیاری از کشورها فاجعه آفریده، از جمله در روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۵ شهریور ص ۱۳ در مورد "وبا" اخباری درج گردیده است بطوری که بیماری وبا که از ژانویه گذشته در "پرو" شایع شده است، تاکنون به بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین سرایت کرده، علاوه بر پرو، کشورهای شیلی، اکوادور، بولیوی، کلمبیا از آمریکای جنوبی و مکزیک و گواتمالا، السالوادور در آمریکای مرکزی شاهد شیوع این بیماری بوده‌اند.

و در مجله دانشمند ۲۹ شهریور ۷۰ مطرح شده بیماری وبا در زامبیا، لیما، بندر شیمبوت، که ۲۰۰۰۰۰ نفر وبائی که در هر دقیقه یک مورد جدید اضافه شده و به همین میزان قربانیها هم تعدادشان زیاد می‌شود و در هندوستان و آفریقا این بیماری بومی شده است.

و مخصوصاً در آفریقا همچنان این بیماری از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، در سکوت به کشتار خود ادامه می‌دهد و باید گفت دیگر علائم هم ظاهر شده‌اند و به تحقیق باید گفت دیگر علائم زیادی برای ظاهر شدن نمانده مگر آن علامتهائی که نزدیک به ظهور باید به وقوع بپیوندند.

باشد با یاری پروردگار هر چه زودتر جزوه‌های دیگر به دست شما عزیزان برسد و تا شما نیز به آن باور برسید که ما به

آقا و مولایمان خیلی نزدیک هستیم ولی امید داریم با اعمال نیک این دوری که مدت طولانی را پشت سر گذاشته به پایان برسد و ما در سایه مبارک آقا امام زمان (ع) ادامه زندگی دهیم و نه اینکه به خاطر یک سری از گناهان از آن همه خوشبختی و سعادت وعده داده شده دور شویم پس دعا و نیایش ما، وحدت و دوستی ما، عبادت و اطاعت ما، ضمانتی خواهند بود برای رسیدن به آنروز. به امید پیروزی اسلام.

منتظر در انتظارش باش زیرا

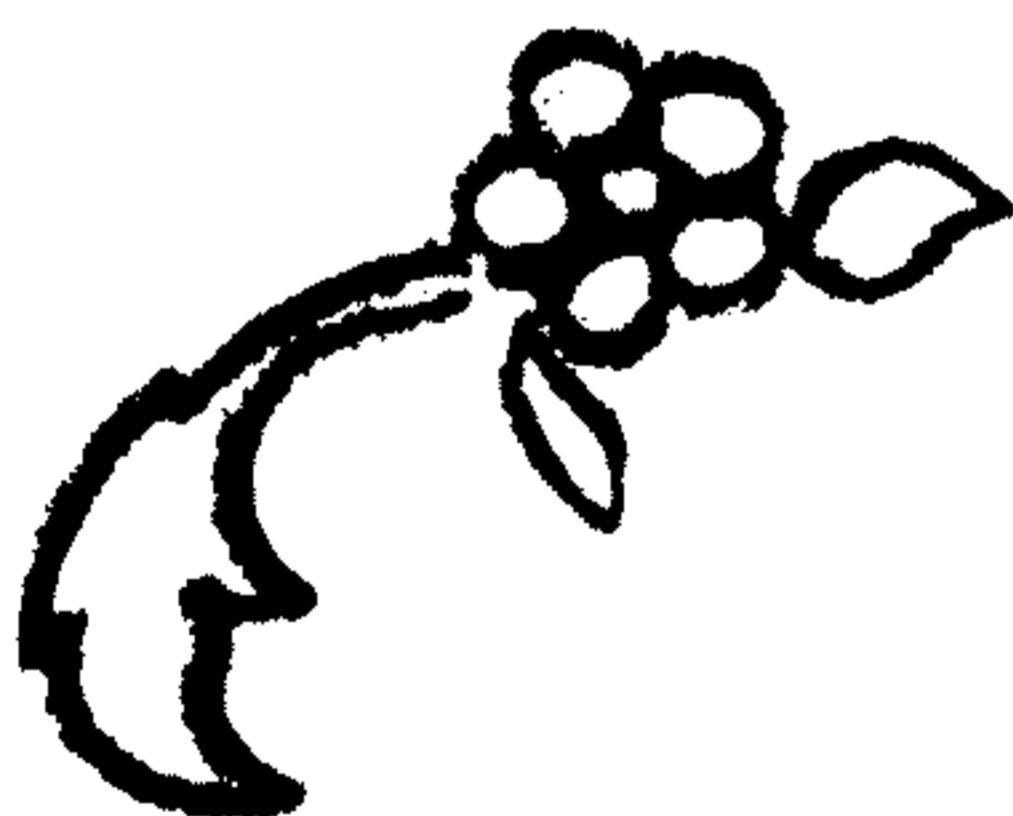
تا کعبه مقصود رهی نیست، بتازید

تا جلوه معبود رهی نیست، بتازید

ای رهروان عطش عشق حسینی

تا کوثر موعود رهی نیست بتازید

(پایان قسمت هفتم طاووس بهشتیان)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ
الْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَيس
يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسِّنَا وَاهْلُنَا الضَّرُّ وَجُنَّا بَبْضَاعَهُ مُرْجَاهِ
ای عزیز : دوری جانکاه بر ما و کسان ما فرو ریخته و
اینک با بضاعتی اندک بسویت آمده ایم.

ای عزیز فاطمه: در کام طوفانها فرو رفتیم و سایه سنگین
فتنه‌ها را بر شانه خود لمس کردیم، در هر گوشه‌ای صدای
دادخواهی بلند شده که بار الها ما بدرگاه تو شکایت می‌کنیم از
فقدان پیامبران و غیبت امامان و سختی دوران بر شیعیان جهان
و وقوع آشوبها و یکپارچگی دشمنان بر ضد ما و بسیاری دشمن
و کمی عده ما.

بار الها بگشا از ما این غم و اندوه را به فتح سریع.

بار الها بیش از این غم و اندوه را بر ما روا مدار و بیش از این ستم و طغیان را بر جهان مپسند.

خداوندا بیش از این اشک مظلومیت را بر دیدگان پر فروغ و آه بر آمده از غم را بر دهان مشک بو و پرده حزن و اندوه را بر قلب نازنین آئینه تمام نمای ذات و حجت بر خلقت، مخواه و با اجازه ظهورش، لحظه‌های طولانی غیبتش را به سالهای پرنشاط وصال مبدل بفرما.

و حال ای پسر فاطمه، آیا براستی ما را بسوی تو راه ملاقاتی هست؟

آیا امروز ما به فردایی می‌رسد که به دیدار جمالت خرسند شویم؟

و آیا براستی کی شود که از چشمه آب زلال ظهورت ما تشنگان جرعه وصال، بهره‌مند گردیم و ببینیم آن هنگامی را که پرچم نصرت و پیروزی در عالم بر افراشته‌ای.

پرودگارا آیا براستی خواهیم دید آن روز را که حکومت احمدی بر قرار شود و ظالمان سرکوب شوند و بیچاره‌گان در کنار مولایشان مهدی به خوشبختی وعده داده شده دست یابند.

آری ما امیدواریم به آن دیدار و به آن روز موعود و با در نظر گرفتن علائم و شواهد و روایهای صادق نزدیک بودن ظهور را دریابیم، در حالی که می‌دانیم عالمیان در انتظار آن یگانه منجی عالم بشریت می‌باشند و مسلمانان بخصوص انتظار شیعه،

نگرشی ژرف تر و مسئولیت زاتر داشته است.

زیرا اگر ادیان دیگر، منجی را برای قوم خود خواسته‌اند، اسلام آنرا برای تمام عالم می‌داند و اگر در فرهنگ آنها امام در عالم دیگر و دور از مردم است، در اسلام امام مهدی (ع) به میان مردم به طور ناشناس هم می‌آید و گاهی در امور به آنان نیز کمک می‌نماید.

و بالأخره اگر ادیان دیگر منتظران را بدون مسئولیت رها کرده باشند، در اسلام "انتظار" برترین عمل است و مسئولیت آفرین‌تر و حماسه سازتر از هر تعهدی است.

و یکی از مسئولیتهای منتظرین باوفا این است که بیدار باشند، زیرا نمی‌دانند چه وقت صاحبخانه می‌آید، در شام، یا نیمه شب یا بانگ خروس، یا صبح، مبادا ناگهان آمده و آنها را خفته یابد.

آری یک منتظر باید خود را به صفات پسندیده آراسته و نیز پرهیزگار شود. پرهیز از گناه و حرام و هر آنچه را که اسلام آنرا نمی‌پسندد.

رفتار و اعمال یک منتظر باید محبت حضرت را افزونتر کند نه اینکه خود را بغضب ایشان نزدیک نماید.

منتظر واقعی در زمان غیبت لحظه شماری می‌کند به هر سو می‌نگرد تا شاید نشانی از یار بیابد.

حضرت رضا (ع) خصوصیات منتظرین آقا امام

زمان (ع) را اینگونه بیان کرده‌اند: یک منتظر شیفته می‌داند مسائل قبل از ظهور را و می‌داند انقلاب آنحضرت ناگهانی و هر آن ممکن است فرارسد.

منتظر واقعی بازبان دعا نمی‌کند بلکه با محبت قلبی و از عمق جان دعا می‌کند.

منتظر دائماً غمگین است و زیاد گریه می‌کند و همیشه بیاد آنحضرت می‌باشد، ترک معاشرت کرده مگر بقدر حاجت، طلب فرج و ظهور حضرت را می‌خواهد و دیگران را ترغیب و تحریص می‌کند برای دعا و فرج خواستن از خدا.

صبر بر شدتها و سختیها دارد و همینکه شخص منتظر به کمال رسید شدائد و سختیهای که در انتظار بر او وارد می‌شود از آنها لذت می‌برد بسبب آن شوقی که به لقای محبوب دارد.

خواب و خوراکش کم می‌شود چون انتظار کامل شد شخص منتظر دیگر از هیچ چیز لذت نمی‌برد مگر در ذکر محبوبش خدای سبحان و انتظار ناجی‌اش مهدی عزیز.

و پیامبر گرامی اسلام (ص) خطاب به دوستان و منتظرین امام مهدی (ع) می‌فرمایند: خوشا آنان که او را دوست دارند، خوشا بر مردمی که او را زیارت می‌کنند خوشا آنانکه به امامت او اعتراف دارند، زیرا این سه گروه در جهان هستی سعادت‌مند و ناجی هستند.

و نیز امام باقر (ع) فرمودند: می‌بینم اصحاب مهدی را

که چگونه در جهان موفقیت پیدا می کنند. در حالیکه از حضرت سوال می شود آیا حضرت " قائم " متولد شده است ؟

حضرت فرمودند: خیر، ولی اگر من به او برسم تمام عمر خدمتگزارش خواهم بود.

پس بنگرید عظمت او را که چشم امید همه، حتی پیامبر (ص) و ائمه (ع) به او دوخته شود و همگی از آنحضرت به بزرگی یاد کرده و همگان را به عظمت او توجه داده اند.

و حضرت علی (ع) شاد می شود که مهدی فرزند اوست و دنیا را پر از عدل و داد می کند.

و مادرش حضرت زهرا (س) تسلای خاطر می یابد که حضرت عیسی (ع) به فرزندش " مهدی " اقتدا در نماز دارد.

امام هشتم حضرت رضا (ع) با شنیدن وصف حضرت حجت اشک می ریزد و بشدت می گرید و به احترام نام مقدس قائم از جابر می خیزد و دستهای مبارکش را روی سر می گذارد.

و حضرت صادق (ع) آرزوی دیدارش را می کشد و در فراقش ناله می کند و از غم هجرانش می سوزد.

پس ما هم نیز بیادش باشیم و برای قرب ظهورش دعا کنیم و در پی جلب رضایش بکوشیم و خلق را بسویش بکشانیم و دلها را از محبتش لبریز گردانیم و خود را برای جانفشانی و جهاد در رکابش آماده سازیم و در زمان غیبتش وظایف خود را

بشناسیم و بخوبی از عهدهٔ انجامش بر آئیم، از طلب کردن و جستجویش خسته نشویم. و در هجران ریش بنالیم و اشک بریزیم تا انشاءالله حضرتش را بجوئیم و نور مقدسش را ببینیم. در حالیکه امام باقر (ع) می‌فرماید:

چهار نفر از اصحاب فرزند ما " مهدی " از پیامبران هستند از جمله حضرت عیسی و ادریس از آسمان فرود می‌آیند. و حضرت خضر و الیاس در زمین حضور یابند.

و در زمان ظهور، حضرت عیسی (ع) به آن حضرت اقتداء می‌کند و حتی گفتگوئی در ابتدا صورت می‌گیرد و این گفتگو این است که حضرت حجت (ع) به حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: یا رسول الله شما جلو بایستید تا نماز بپا داشته و من به شما اقتداء کنم. اما حضرت عیسی (ع) خطاب به حضرت بقیة الله الاعظم (ع) می‌گویند شما باید جلو بایستید چون افضل هستید و افضل باید امام باشد در حالیکه من نسبت به شما مفضولم.

پس بیائیم و ببینیم معنای ایستادن حضرت عیسی (ع) پشت سر امام زمان (ع) چیست؟

باید بدانیم ایستادن حضرت عیسی (ع)، ایستادن یک مشت گوشت و پوست و استخوان نیست، بلکه ایستادن آن موجود مقدس و والائی است که خداوند در مورد او می‌فرماید: عیسی همان کسی است که به اذن و اجازهٔ من از گل پرندهٔ ساخت و جان بر او دمید.

عیسی به اذن و اجازه من کور مادر زاد را شفا داد.
عیسی به اذن و اجازه من شخص پیسی گرفته را درمان
کرد.

عیسی به اذن و اجازه من مردگان را زنده کرد.
و حال بنگر ای " شیعه علی (ع) " مقام حجت بر حق
پروردگار عالمیان را که کیست و چه مقامی دارد.
بنگر که امام تو همان کسی است که بر عیسی بن
مریم (ع) امام است. پیشوای تو وجودی است که از همه
فرشتگان، بلکه از تمام پیامبران والاتر و برتر است. به او معرفت
پیدا کن، به اطاعت و دوستی اش همت گمار و لطف بیکرانش را
بخود جلب کن که هر چه هست درب خانه اوست و راه نجات و
رستگاری، تنها در گرو محبت و ولایت آنحضرت است و یک
چنین بزرگواری امروز امام زمان ما می باشد و ذخیره است برای
روزی که بیاید اما در این آمدن غوغائی است.

و در این غیبت که خیلی طولانی شده است مردم امتحان
پس می دهند، در حالیکه مسئولیت خیلی سنگین است و حتی
مسئولیت به مردم نیز سنگین می باشد و آنقدر خطر بزرگ است
و خدا چنان امتحان می کند که اکثر معتقدین به حضرت
حجت (ع) از این عقیده بر می گردند.

پس بیدار باشیم و غفلت نکنیم که فردا روز شادی، روز
نجات و روز رستگاری ما بندگان خدا و آن انسانهای در بند و

مظلومی است که اگر در مقابل مشکلات ایستادگی کنیم و اگر طبق مسئولیتهای داده شده عمل کنیم، انشاءالله آن روز موعود را خواهیم دید، که وجود منجی مسعود مولای انس و جان صاحب العصر و الزمان که تنها گوهر خزانه الهی و ذخیره خدا است بیاید و فریادرس دردمندان و بیچارگانی باشد که اندوه و بیچارگی و گرفتاری، آنها را شکسته بال کرده است.

آری بیاید و خاطر اندوه کشیده شکسته بالان را تسلی بخشد. بامید آنروز.

و مامسلمانان و وظیفه داریم که تکالیف خود را بشناسیم و به آن عمل کنیم و امید به رستگاری و رسیدن به آن اهداف الهی داشته باشیم. زیرا انسان به کمال نمی رسد مگر اینکه پس از شناخت خدا و شناخت خود و نیز مسئولیتهائی که از جانب انبیاء و اولیاء به انسان داده شده عمل کند.

و یکی از مسئولیتهای موجود، شناخت امام زمان (ع) است، زیرا کسانی که او را نشناسند و از دنیا روند مانند آن مردم جاهلی هستند که در زمان جاهلیت از دنیا رفته اند. و اگر وجود مقدس آن ناجی را انکار کنند از کافران هستند، طبق گفته حضرت محمد بن عبدالله (ص)

مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ

هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است.

پس بیائیم تا دیر نشده مولای خود را بیشتر از گذشته بشناسیم و

وظیفه خود را بدانیم و به آن عمل کنیم و لحظه‌ای غفلت را بر خود حرام بدانیم، زیرا تنگ بودن وقت را باید باور کنیم و اینکه حجت بر حق خدا عنایتشان شامل حال همگی ما بندگان خدا است و ایشان برای ما شیعیان و بندگان خدا دلتنگ می‌شوند و برای ما دعا می‌کنند و بسیاری از ما مردم تجربه کردند آن زمانی را که مولایشان را به کمک طلبیدند و حضرت به فریادشان رسیده است و این را باید بدانیم که آقا امام زمان (ع) علاقمند هستند هر چه زودتر ظهور کنند.

ولی برآستی چرا این همه ظهور به تأخیر افتاده است، شاید بسیاری از ما مردم بگوئیم حتماً وقتش نرسیده و یا خدای سبحان نخواسته ولی باید بدانیم جواب پیش خودمان است در واقع گناهان ما انسانها باعث این همه تأخیر شده است نه اینکه خواست خدا باشد که بندگان دربند با مشکلات و گرفتاری دست و پنجه نرم کنند و گرفتاریها مثل خوره آنها را بخورد.

و برآستی چطور خداوند حاضر نشود که امام زمان تنها ناجی زمین و زمان را به فریاد بیچارگان بفرستد.

پس ای شیعیان علی بن ابیطالب (ع) بیائید برای رضای خدای لایزال و برای شادی مادری همچون صدیقه کبری حضرت زهرا (س) که قرن‌هاست منتظر مهدی عزیز می‌باشد از خدای سبحان بخواهیم که مهدی عزیز " بیاید.

بیاید و قبر گمشده او را که در غربت رها شده به ما

شیعیان نشان دهد.

بیاید و انتقام خون به ناحق ریخته شده جدّ بزرگوارش حضرت حسین بن علی (ع) و یارانش و همه آن انسانهای مظلومی که تا به امروز و فردا و فرداها به زمین ریخته می‌شود و همچون غنچه‌های نشکفته پرپر می‌شوند، بگیرد.

آری بیائیم و دیگر معصیت نکنیم و از گناهان گذشته توبه کنیم و این روزهای سخت را بگذاریم برای استغفار و الهی اَلْعَفْوُ گفتن و حلالیت طلبیدن و خود را به خدا و انبیاء و اولیاء نزدیک کردن و در واقع هر آنچه که بهترین است از ما سرزند و از آنچه که ما را از آن سعادت و عده داده شده دور می‌کند دوری کنیم و بیشتر از این گرفتاری و تلخی زندگی را نپذیریم. کافیت با شناخت وظایف، آن سعادت و عده داده شده را از خدای سبحان طلب کنیم

و امید داریم که در مورد کلمه معصیت سوء تعبیر نشود، در اینکه عده‌ای از شیعیان راه حق را می‌شناسند و مؤمن به خدا و رسول و حجت خدا هستند شکی نیست ولی در میان ما مردم هستند کسانی که از پدر و مادر مسلمان زاده شده‌اند ولی حرکتشان حرکت یک یهود و نصارا است و این را همگی می‌دانیم و منظور هم همین است در واقع آن انسانهایی که تا به حال متوجه این مسئولیت نشده‌اند و ما که شاهد اعمال آنها هستیم هر کدام به نوبه خود برای نجات آن عزیزان باید تلاش کنیم و یاد دارم

روزی را که از استادی سؤال کردم در مورد امر به معروف و نهی از منکر تا چه مدت باید انجام شود.

آنجناب فرمودند تا سه بار که دستور است ولی اگر آن شخص را دوستش دارید تا زمانیکه زنده هست و زنده هستید امر به معروف و نهی از منکر کنید تا نجات یابد.

شاید اینجا لازم باشد به مادران و پدران عزیز بگوئیم ای عزیزانی که ایمان دارید و اعمال صالح از شما سر می‌زند و باور دارید که این دنیا را پایانی است و نیز باور دارید که زمان مرگ، ما بندگان خدا طبق اعمال به جایگاه اصلی خواهیم رفت و از دو حال نمی‌تواند جدا باشد یا عده‌ای از فرشتگان با سلام و صلوات می‌آیند و روح ما را دریافت کرده و به وادی السلام نجف که باغی از باغهای بهشت است می‌برند، در حالیکه عزیزترین بنده خدا، حضرت علی بن ابیطالب (ع) در انتظار است تا از شیعه خود استقبال کرده و لبخند شادی را نثارش کند که خواست خدای سبحان تعلق گرفته تا به دنیای باقی هجرت کرده است و یا نه خدای نا کرده شیاطین می‌آیند و روح شخص محتضر را تحویل گرفته در حالیکه به او اهانت می‌کنند و او را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند و با خودشان به دشت برهوت یمن که یک چاه از چاههای جهنم است می‌برند.

براستی برای چه انسان به این مرحله از باخت و بیچارگی و بی آبرویی می‌رسد؟ همه ما می‌دانیم بر اثر بی تقوایی و نداشتن

اعمال صالح و ناباوری.

و در واقع تقوی، ملکه‌ایست که صاحب خود را از هرج و مرج و زیاده‌روی و هوسهای زودگذر حفظ کرده و او را به سوی هدفی معین و مشخص پیش می‌برد.

یکی از آثار تقوی، نگاه داشتن انسان از ظلمتها، ستمها، اهانتها، تهمت‌ها، غیبت‌ها نادرستی‌ها و خیانتها و حق‌کشی‌ها و انواع گناهان می‌باشد. بنابراین گناهان و جنایتها از بی‌تقوائی انسان نشأت می‌گیرد و بردگی و اسارت نفس باعث می‌شود که دست به هر جرمی بزند.

در حالیکه وقتی انسان به رشد شایسته و آن تقوای کافی و شناخت صحیح رسید و اصولاً کسی که خودش را در محضر خدا دانست همین دانستن خودش تقوی است و کسی که صاحب تقوی بود دیگر مرتکب گناه نمی‌شود.

و دیگر اعمال صالح که چکیدهٔ عبادت و اطاعت و گفتار و رفتار ماست. و حال بیائیم و ببینیم فلسفه عبادت چیست.

همانطور که از معنایش روشن است به معنی بندگی است و عبادت یک ریشه و اساس است برای همه ارزشها و فضیلتها و هر چه عبادت انسان بیشتر شود به همان اندازه به خدا نزدیک‌تر می‌شود و از ظلمتها و زشتی‌ها دور شده و به پاکی و فضیلت دست می‌یابد و متوجه ذات اقدس متعال و صفات اولیاء خدا و اسماء حسناى خدای تبارک و تعالی شده و از صفات و اسماء خدا

می‌گیرد و مظهر عقل، مظهر جود و کرم، مظهر حق... می‌شود و وقتی انسان به آن مرحله از ارزش رسید عقل و اساس انسان، خدائی می‌شود یعنی عبادت وقتی به این درجه رسید چشم او می‌شود چشم خدا، گوشش می‌شود گوش خدا، دستش می‌شود دست خدا، و در واقع انسان و حیوان که هر دو دارای حواس پنجگانه هستند، ولی همین انسان با تقوی و عمل صالح پا را فراتر گذاشته و از مرحله حیوانیت بیرون آمده و می‌رود در حد انسانیت واقعی و می‌بیند آن چیزی را که دیگران نمی‌بینند و می‌بوید آن چیزی را که دیگران نمی‌بویند، می‌چشد آن چیزی را که دیگران نمی‌چشند، می‌شنود آن چیزی را که دیگران نمی‌شنوند و در حد کمال لمس می‌کند آن چیزی را که دیگران نمی‌توانند لمس کنند.

پس دانستیم با اعمال صالح انسانها به انسانیت می‌رسند به شرط ایمان و جزای خیر هم شامل حالشان می‌شود. به طور مثال همین که مؤمن یک کار خوب انجام داد، خداوند دستور میدهد ثبت کنید نه یکی، بلکه ده تا، ولی همین مؤمن وقتی گناه می‌کند پروردگار مهربان دستور می‌دهد هفت ساعت به او مهلت دهید تا شاید توبه کند و اگر هم توبه نکرد خطاب به فرشتگان گفته می‌شود بنویسید ولی طوری که کسی متوجه نشود و از یکی هم بیشتر ننویسید. و حال بدانیم ما یک چنین خدای مهربانی داریم.

و دیگر ناباوری و شک در مورد مسائل، باعث می‌شوند در بسیاری از مواقع ما را از واقعیت‌های موجود، دور کنند، در حالیکه ما می‌توانیم در مورد آنچه که برایمان بصورت سؤال در آمده و یا نسبت به آن باور نداریم تحقیق کنیم و خودمان را از شک و ناباوری خلاص کرده و به یقین برسیم. زیرا شک آفتی است برای یقین

و حال که ما یقین داریم به زندگی، به مرگ و عالم پس از مرگ و با اینکه بهشت و دوزخ را ندیده‌ایم ولی باور داریم با شناختی که از قرآن مجید پیدا کرده‌ایم پس چرا بسیاری از انسانهای عاقل و بالغ خود را برای دوزخ مهیّا کرده و راه را به سوی آن دیار طی می‌کنند. در حالیکه ما مسلمانان جهان با داشتن پیامبر دلسوز و مهربانی همچون حضرت محمد مصطفی (ص) و امامانی همچون حضرت علی (ع) و فرزندان بزرگوارشان و بالأخره مهدی عزیز چطور چنین ظلمی را در حق خودمان و دینمان و سرنوشت انسانهای مظلوم و... روا می‌داریم شاید صرفاً بخاطر اینکه وقت ما کم است و یا مشکلات مازیاد، و یا ده‌ها دلیل و مسائل دیگر.

و حال ای مادران مهربان و ای پدران عزیز، جا دارد که یک مثال عامیانه را بزنیم بپرسیم اگر روزی خدای نا کرده شخصی متوجه شود که خانه‌اش آتش گرفته و افراد خانواده و یا چند کودک بی‌گناه در میان آتش گرفتار شده‌اند چه می‌کند؟

بدون شک می‌دانیم آن فرد قبل از هر چیز خود را به قیمت سوختن تمام زندگی به خطر انداخته و افراد خانواده را نجات می‌دهد.

و اگر بپرسیم چرا؟ خواهد گفت چون دوستشان داشتم و نمی‌خواستم عزیزانم را از دست دهم.

ولی این سؤال است پس چطور انسانهای از جان گذشته و فداکار و بسیار مهربان که در این دنیا با خطر مواجه می‌شوند، مبارزه می‌کنند و تلاش کرده و خطر را به حداقل می‌رسانند و عزیزان خود را نجات می‌دهند ولی این عجیب است که همین افراد اهل بیت خودشان را از آتش جهنم نجات نمی‌دهند، گویا ما بندگان خدا هر چیز را ببینیم بخاطرش قدم بر می‌داریم و هر چیز که دیده نشود رهاش می‌کنیم در حالیکه وعده بهشت و جهنم را باور داریم.

آری بهشت و جهنم هر کدام به نوبه خود به ما معرفی شده‌اند. حال باید دید کدام یک را دوست داریم.

در حالیکه شنیدیم وقتی حضرت جبرئیل آیه جهنم را به رسول الله وحی کردند، حضرت سه شبانه روز گریه کرده و در را به روی خود بستند و چون آیه

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ

نازل گردید رسول خدا به جبرئیل فرمود وصف نما احوال جهنم را از برای من.

جبرئیل گفت از هر در تا درب دیگر هفتاد سال راه هست و هر دری در گرمی هفتاد برابر گرمی دارد و اولین در هاویه است و آن جای منافقین و کفار می باشد. و منافق به شخص دو رو که اظهار دوستی کند و در باطن دشمن باشد گویند، و کافر به کسی گویند که بی دین، بی ایمان و ناسپاس است و روی حق را پوشانده و به دنبال باطل است.

دوم جحیم که مسکن مشرکین است. مشرک کسی است که برای خدا شریک فرض کند. کسی که به خدایان متعدد عقیده داشته باشد.

سوم سقر و آن مقر صائبین است. صائبین به کسانی گفته می شود که از دین خود دست برداشته و به دین دیگری بگردند.

چهارم لظی و آن مأوای ابلیس و اتباعش و مجوس است و در مورد ابلیس باید بگوئیم او همان دشمن قسم خورده ای است که قرار گذاشته تا همگی ما را به جهنم ببرد و در واقع او همچون قطره خونی است که در رگهای ما می تواند در گردش باشد پس ما برای مبارزه با آن لعنتی باید ظرف وجودی خودمان را با اعمال صالح پر کنیم تا او را از وجود خود بیرون کرده، اگر چه او در همان حال هم از ما غفلت نخواهد ورزید. پس ما باید تا پایان عمر همچنان یک مبارز سرسخت در مقابل آن ملعون باشیم تا انشاءالله به آن پیروزی و خوشبختی وعده داده شده دست

پاییم. بامید آنروز.

مجوس : آفتاب پرست و آتش پرست را گویند.

پنجم حُطْمَه و آن منزل یهود است.

ششم سعیر و آن مکان نصاری و چون هفتم رسید ساکت

شد.

حضرت رسول (ص) فرمود خبر ده مرا از هفتم، گفت

در این جا اهل کبیره از امت تو خواهند بود که بی توبه مرده

باشند.

در آن حال حضرت رسول مدهوش شده و چون به هوش

آمد فرمود ای جبرئیل، عظیم نمودی مصیبت ما را آیا امت من هم

داخل جهنم خواهند شد؟ و گریست و جبرئیل هم گریان شد،

پس آن بزرگوار تا چند روز در راه روی خود بسته و کسی را

نمی پذیرفتند و با هیچ کس تکلم نمی فرمود و چون شروع به نماز

می کرد گریه می نمود، اصحاب آن بزرگوار می گریستند و سبب

را نمی دانستند و جناب امیر غائب بودند پس اصحاب به در خانه

حضرت فاطمه زهرا (س) آمدند و وقتی حضرت قضیه را شنیدند

چادر به سر کرده و خود را به پدر بزرگوارشان رساندند در

حالی که رسول خدا سر به سجده داشتند و می گریستند و قسمت

سجده گاه حضرت به صورت گِل شده و رنگ حضرت از

بسیاری گریه و شدت اندوه سفید و زرد گشته و گوشت

رخساره شریفش گداخته شده بود.

صدیقه طاهره عرض کرد جانم فدای شامباد، چه چیز شما را به گریه آورده؟ فرمود چطور گریه نکنم که جبرئیل آیه آورده در وصف جهنم و خبر داده مرا از یکباب آن که در آن هفتاد هزار کوه از آتش است و در هر کوه هفتاد هزار وادی از آتش و در هر وادی هفتاد هزار شکاف از آتش و در هر شکافی هفتاد هزار قصر از آتش و در هر قصری هفتاد هزار خانه از آتش و در هر خانه هفتاد هزار تابوت از آتش و در هر تابوت هفتاد هزار نوع عذاب.

ناگاه در آن حال خانم فاطمه زهرا (س) مدهوش شده و برو در افتاد در حالیکه می گفت وای بر کسیکه داخل بر آتش شود و چون به هوش آمد عرض کرد ای بهترین خلایق از برای کیست این عذابها؟

فرمود برای هر کس که نماز را ضایع کند و متابعت شهوات و خواهش های نفسانی شوم خود نماید.

پس اصحاب بیرون رفتند و هر یک فریاد بر آورده که آه از دوری راه و کمی توشه و دیگری می گفت ای کاش مادر مرا نزاده بود، همانطور می گفتند و ناله می کردند.

پس خانم حضرت زهرا (س) عرض کرد چگونه می برند بسوی آتش جهنم آنها را، فرمودند مردان را به ریش و زنان را به گیسوان و صاحبان موهای سفید از امت مرا کشان کشان می برند و حال آیا برآستی با شنیدن اخباری این چنین غم انگیز و

وحشتناک که از دنیای باقی داریم صلاح است گناه کنیم و بی توجه به عاقبت کارمان باشیم.

بدون شک عاقل می گوید نه در حالیکه همگی می دانیم دین مبین اسلام نمی گوید به خود سخت بگذرانید، نمی گوید نخورید، نپوشید و از نعمتهای داده شده استفاده نکنید و اصولاً تنگنائی وجود ندارد و اگر از ما بندگان عبادت و اطاعت در کنار زندگیمان طلب شده برای آن است که در بیراهه و کوچه و پس کوچه های بن بست نیفتیم و برای اینکه دوست و مصاحب شیطان (که دشمن آشکار ما است) نشویم.

و گرنه خداوند که نیازی به عبادت ما ندارد و اگر بندگی به همراه عبادت و اطاعت خواسته شده، تنها برای نجات خودمان می باشد.

باشد تا شاید به فریاد یکدیگر برسیم و بیشتر از این وقت گرانبها را از دست ندهیم و خودمان را برای فردائی روشن با زندگی آرام و ایده آل آماده کنیم و اگر بدین ترتیب که در حال حاضر عمل می شود زندگی ادامه پیدا کند با خطری بزرگ مواجه خواهیم شد.

شاید سؤال پیش آید منظور کدام خطر است یکی اینکه مسلمان باشیم و اسلام را یاری نکنیم همان اسلامی که به یاری ما نیاز دارد در واقع ما مسلمانان باید نگهدار و پاسدار آن باشیم همان اسلامی که قهرمانان در گذشته آن را نجات دادند تا به

دست ناهلان نیفتد در واقع برای پایداری اسلام خونها ریخته شد، زنها بیوه شدند، مادران بی سرپرست و کودکان یتیم و خانه‌ها به سر انسانهای مظلوم خراب شد و بسیارشان بی خانمان و سرگردان شدند و حال امروز بسیارشان در اسارت به سر می‌برند و بسیاری دیگر از انسانهای محروم و مظلوم عالم زیر شکنجه و ظلم ظالمان همچون غنچه‌های نشکفته پرپر می‌شوند.

پس اگر بگوئیم خطر انسانهای بی‌تقوی را تهدید می‌کند همانطور که ظالمان مورد تهدید هستند عیس نگفته‌ایم.

و دوم اینکه خطر تهدیدمان می‌کند اگر آیات بر ما تلاوت شده باشد و به آن عمل نکنیم.

و مهمترین آیه، آیه نماز است در حالیکه شاهد بسیاری از افراد هستیم و می‌بینیم و می‌دانیم که آنها علناً به این آیه شریفه پشت پا زده و به آن اهمیت نمی‌دهند و ما که آنها را در این شرایط می‌بینیم ساکت هستیم در حالیکه از عاقبت این عمل نمی‌ترسیم و باید برای نجات یکدیگر تلاش کنیم که نکند فردا دیر باشد.

و نماز که مهمترین عبادت می‌باشد نردبان مؤمن است برای رسیدن به سعادت ابدی.

نماز از واجبات دین می‌باشد و موجب خشنودی پروردگار است و محبت ملائکه را جلب می‌کند، هدایت و ایمان است و نور معرفت و برکت رزق و راحت بدن است، برای شیطان

ناخوشایند است.

و نماز سبب مستجاب شدن دعا و قبولی اعمال و توشهٔ آخرت مؤمن است.

نماز شفیع نزد مَلَكِ الْمَوْتِ، جواب نکیر و منکر و مونس قبر و فرش زیر و پهلو است.

نماز بنده، در محشر تاجی است بر سرش و نوری در صورتش و لباسی بر تنش و پرده‌ای است بین او و آتش، حجّتی است بین بنده و خدا، موجب نجات از جهنم و عبور از پل صراط و کلید بهشت و مِهْر حُورِ الْعِینِ و بهای بهشت است.

و در واقع نماز است که بندگان را به بالاترین درجات می‌رساند و کسانی که نماز را خراب می‌کنند خداوند آنها را با فرعون و هامان و قارون محشور می‌کند.

و پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ

کسی که عمداً نماز را ترک کند کافر است.

و از طرفی حضرت علی (ع) می‌فرماید: کسانی که نماز را با اذان و اقامه آغاز می‌کنند بدانند دو صف از ملائکه پشت سر ایشان می‌ایستند و دیگر وقتی که صدای مؤذن را بشنوند و به همراه او اذان را بخوانند خداوند سبحان می‌فرماید به تعداد اقرار کنندگان و تکذیب کنندگان به او اجر می‌دهم.

و به راستی کدام یک بهتر است. آنکه رستگار شویم و در

دنیای باقی در آسایش و آرامش به سر بریم و یا اینکه با شیاطین محشور شده و زندگی همراه با گرفتاری و ... را؟ کدام یک بهتر است؟

در حالیکه دین مبین اسلام برای ما انسانها سخت نگرفته و از ما انتظار زیادی ندارد که بگوئیم برای ما عمل کردن به آن سخت است. پس بیائیم امروز آنچه که راحتی و خوشبختی و شادی ما را تضمین می کند انتخاب کنیم که فردا در مقابل آقا امام زمان (ع) شرمنده نشویم و در روز قیامت کبری بی آبرو نباشیم.

و انشأالله با مبارزه و تلاش و ایثار با مدال طلا به دنیای بعدی در زمان موعود هجرت کنیم و امید داشته باشیم به وعده های زیبا و ملکوتی پروردگارمان که هر یک از بندگان خوب او می تواند صاحب قصری زیبا از زبرجد و مروارید باشد در حالیکه خادمانی از جنس فرشته خدمتگذارش خواهند بود. آری به یاد آن مکان مقدس و آن روزهای زیبا و باشکوه تلاش کنیم که خداوند دو نوع بهشت را وعده داده است. بهشت روحانی و بهشت جسمانی

بهشت جسمانی آن است که شخص در دنیا به جسد بی روحی از عبادت قناعت می کرده و در بهشت غیر از لذات جسمانی لذات دیگر را نمی یابد.

و دیگر کسی که در دنیا روح عبادت را فهمیده است و

لذت عبادت را چشیده و عاشق عبادت گردیده است و اسرار بندگی را دریافته و با اخلاص و خضوع و خشوع و سایر آداب ظاهره و باطنه به عمل آورده در بهشت جسمانی به جز لذت روحانی نمی‌یابد به طوری که حضرت امیر (ع) می‌فرماید:

هر که شبی به عبادت حق تعالی احیا کند حق تعالی او را در جَنَّتِ الْفِرْدَوْسِ صد هزار شهر عطا کند که هر چه دلش خواست در او بیابد و دیده از آن لذت ببرد.

و حضرت رسول (ص) می‌فرماید: که بهترین نعمتهای اهل بهشت آن است که حوریان برای ایشان خوانندگی می‌کنند به حسن صوتی که جن و انس نشنیده باشند البته نه به روش شیطان بلکه به تسبیح و تحمید و تقدیس حق تعالی.

و به روایت دیگر فرمود: در بهشت درختی هست که حق تعالی به آن درخت وحی می‌کند که بشنوان به بندگان من که در دنیا به ذکر و عبادت من مشغول شدند و ترک کردند شنیدن صدای بربط و نای را، پس صدائی بلند شود از آن درخت به تسبیح و تنزیه پروردگار که هرگز خلاق مثل آن صدا را نشنیده باشند.

پس در بهشت آنهایی که محبوب ایشان خداوند بوده است از هر گل و ریحان بوی لطف خداوند رحمان را استشمام می‌نمایند و از هر طعام و میوه‌ای طعم رحمت خالق را می‌یابند.

از امام جعفر صادق (ع) منقولست قیامت عروسی

پرهیزگاران است.

و رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمودند: یا علی به خدا سوگند که از قبرها بیرون خواهند آمد با روهای چون برف نورانی و سفید و جامه‌هایی سفیدتر از شیر و کفشهایی از طلا و ملائکه به استقبال آیند با ناقه‌های بهشتی و ایشان سوار شده به صحرای محشر پرواز کنند و با هر یکی هزار ملک باشد. و او را دم حوض کوثر برند و غسلش دهند تا از عیوب ظاهره پاک شود. و بار دیگر دم نهر سلسبیل برند و غسلش دهند تا عیوب باطنه همچون بخل و حسد و عداوت و امثال اینها رفع شود تا به ظاهر و باطن لیاقت آن مکان شریف و مصاحبت انبیاء و اولیاء را حاصل نماید.

و بعد او را با کمال احترام و اکرام بیاورند تا درگاه بزرگ بهشت، پس ندا رسد به ملائکه که دوستان مرا به بهشت برید و داخل سایر خلایق نگاه مدارید که من همیشه از ایشان خشنود بودم و رحمت من بر ایشان لازم شد پس چون ملائکه حلقه بر در بهشت زنند آواز بلند شود که جمیع حوریان با ایشان شاد شوند و به هم بشارت دهند که آمدند دوستان خدا.

پس حضرت امیرالمومنین (ع) عرض کرد یا رسول الله ایشان چه جماعتند؟

فرمود: اینها شیعیان خالص تو هستند و تو امام و پیشوای ایشان و بدان آنها می‌گویند وقتی از قبر خارج شوند.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
 عَلِيًّا وَكِيًّا اللَّهُ

و یا علی بدان که اگر اهل زمین تو را دوست می‌داشتند همچون اهل آسمان، خدا جهنم را نمی‌آفرید و کسی را به عذاب آتش نمی‌سوزاند.

پس بدانند کسانی که گفتند خدا یکی است و در هیچ مرحله‌ای برای او شریک قائل نشدند و اطاعت کردند از امر او، و تا ساعت مرگ از آن برنگشتند پس در ساعت مرگشان ملائکه که به آنها نازل و ایشان را مژده می‌دهند که از عذاب نترسید که عذابی برای شما نیست و شاد باشید به آن بهشتی که به شما وعده داده شده بود.

آری به امید رسیدن به اهداف بزرگمان که پیروزی اسلام و رستگاری در دو عالم است.

به امید ظهور یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحنا له الفداء

و نیز این را بدانیم تحویل نیکو در اعمال ما باعث می‌شود که ظهور آن ناجی انشاالله، زودتر به وقوع بپیوندد و نیز اعمال و دعای ما هر چه بهتر و بیشتر باشد مردم مظلوم دنیا زودتر از این وضع که برآستی غم انگیز و غیر قابل تحمل است نجات پیدا می‌کنند.

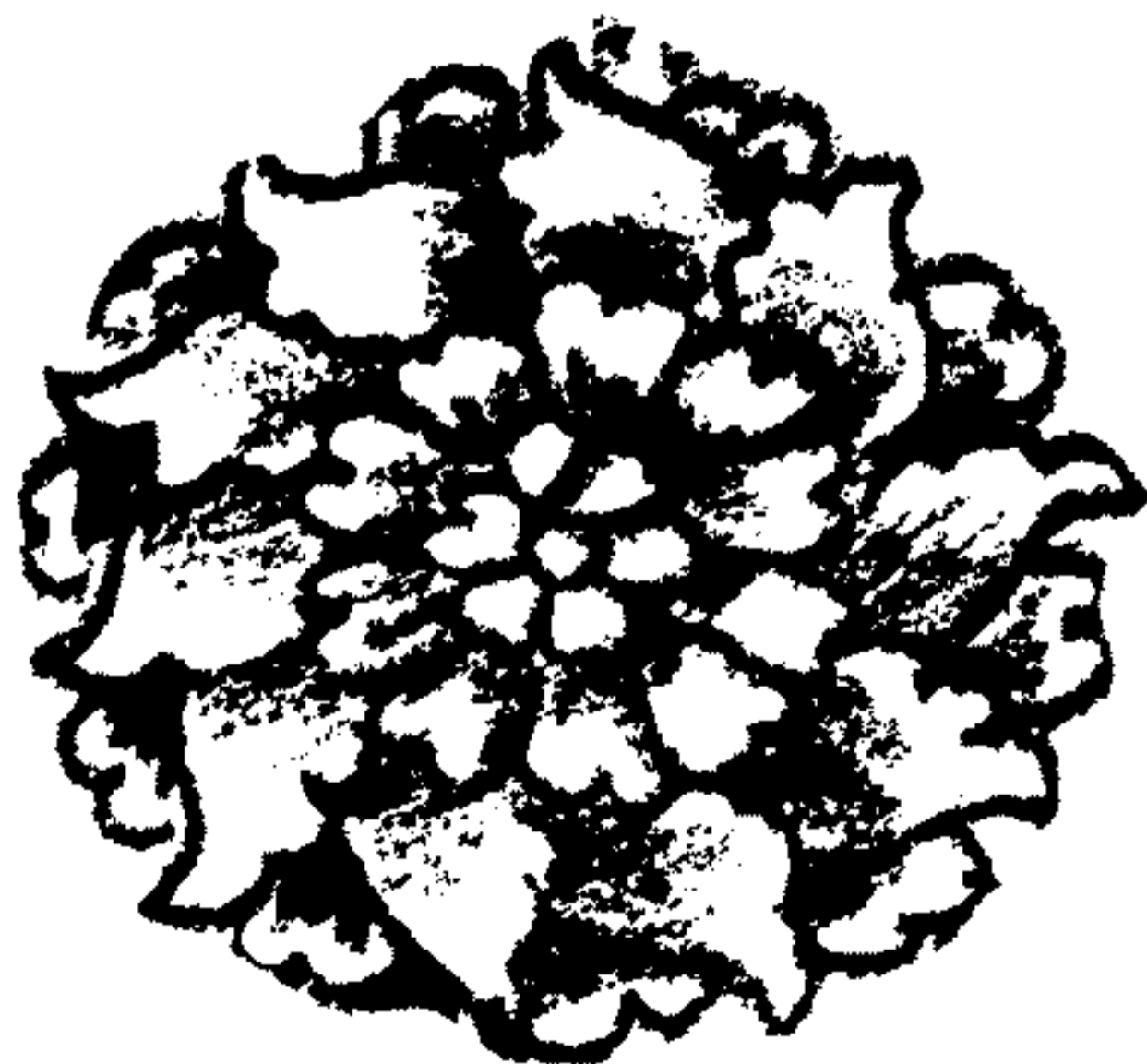
آری مظلومان فلسطین و دیگر مظلومان جهان در این برهه از زمان بیشتر از هر وقت دیگری در فشار و ظلم و ستمی هستند که به آنها روا داشته‌اند پس بیائیم آنها را با دعای خیر خودمان نجات دهیم. جهاد فقط این نیست که سلاح بدست بگیریم و بجنگیم جهاد شکل های مختلفی دارد ما می‌توانیم در سنگر عبادت نجات آنها را از خدا بخواهیم و دیگر اینکه حرکت و قیام آن عزیزان یکی از علائم ظهور امام زمان (ع) است.

مرویست که هر وقت دیدید دو گروه در مقابل هم ایستادند یکی با سلاح گرم و دیگری با مشت گره کرده در آن زمان ظهور ناجی خود را انتظار کشید.

به امید ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت

منتظر در انتظارش باش

(پایان قسمت هشتم طاووس بهشتیان)



بِسْمِهِ تَعَالَى

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَيس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ
أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ
هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

ما قرآن را، در شب قدر، فرو فرستادیم. تو شب قدر را چگونه
شبی می‌دانی؟ شب قدر، از هزار ماه بهتر است. در آن شب،
فرشتگان و روح (جبرئیل) به اذن خدا، همه فرمانها و سرنوشتها
را فرود می‌آورند. آن شب، تا سپیده دمان، همه سلام است و
سلامت.

آیا براستی کدامین شب؟

آن شب که فرشتگان فرود می‌آیند و فرمانها و تقدیرها را به زمین می‌آورند و آن شبی که تا سپیده دمان، همه لحظاتهش درود است و سلام و رحمت است و سلامت، ایمنی است و فرخندگی.....

و براستی کجاست آن آستان مقدس و مطلع نور و مرکز ناموس که " کُلَّ أَمْرٍ " به همراه فرشتگان به جانب آن فرود آورده می‌شود و براستی در شب قدر فرودگاه فرشتگان آسمان در کدام سر منزل قدس و مهبط مطهر است.

در حالیکه می‌دانیم پیامبران گذشته نیز به خواست خدا، شب قدر داشتند و شب قدر پیامبر آخر الزمان حضرت محمد مصطفی (ص) نیز به خواست خدای سبحان در ۲۳ سال زمان پیامبری آن مهر تابان سپری شد در حالیکه رسول گرامی اسلام طبق قرآن کریم فرمودند: ای امت بدانید تا قیام قیامت است، حجّت نیز هست و شب قدر نیز همواره خواهد بود و پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) این مقام، از آن جانشینان پیامبر است و همین دو واقعیت بزرگ است (یعنی: وجود شب قدر در هر سال، و وجود صاحب شب قدر در هر عصر)

و در احادیث از حضرت امام جعفر صادق (ع) آورده‌اند: هنگامی که حضرت علی (ع) سوره " اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ " را می‌خواند و فرزندانش حسن و حسین در نزد او بودند، حسین به پدر عرض کرد: ای پدر وقتی تو این سوره را می‌خوانی شیرینی و حلاوت

دیگری حس می‌کنیم.

حضرت علی (ع) فرمودند: ای فرزند دلبندم من از این سوره چیزی می‌دانم که تو اکنون نمی‌دانی.

چون این سوره فرود آمد جدّ تو پیامبر (ص) مرا خواست، وقتی نزد او رفتم سوره را خواند، آنگاه دست مبارکش را به روی شانه راست من نهاد و فرمود ای برادر و وصی من و ای ولی امت من، این سوره پس از من از آن تو است.

جبرئیل که در میان فرشتگان او برادر من است، حوادث یک سال امت مرا (در شب قدر) به من خبر می‌دهد.

و پس از من این اخبار را به تو خواهد داد و این سوره در قلب تو و در قلب اوصیای تو، همواره نوری تابناک خواهند افشاند، تا به هنگام طلوع سپیده دمان ظهور قائم آخرین فرزند گرامی تو.

و حال سلام و درود بی پایان ما بندگان بر

فخر دو جهان خواجه فرخ رخ اسعد

مولای زمان مهتر صاحب‌دل امجد

آن سید مسعود و خداوند مؤید

پیغمبر محمود ابوالقاسم احمد

وصفش نتوان گفت به هفتاد مجلد

این بس که خدا گوید "ما کان محمد"

آری سلام ما بر پیامبر گرامی و امامان و شافعان و هادیان

بعد از ایشان که یکی پس از دیگری برای انجام رسالت و نجات بشریت قیام کردند و بالأخره قیام خواهد کرد آخرین حجّت زمان مهدی موعود (ع)

آری سلام ما بر تو ای امام عصر و ای دعوت کننده خلق بسوی خدا سلام بر تو ای پیشوای آرمانها و ای امید جانها سلام بر تو و سلام بر نائب برحقت امام خمینی رحمه الله علیه و سلام ما بر تو در شب قدری که نزدیک است به وقوع بپیوندد و ما امید داریم به آن شب قدر.

آن شب که ما شیفتگان، ما منتظران ظهورت، ما بیچارگان باید شکوائیه هجران را به عرض خدای سبحان، آن خدای دو جهان و آن امید امیدواران، آن معشوق عاشقان برسانیم و اشکها بریزیم بر غربت و مظلومیت آن برگزیدگان خدا که سراپا مظهر مهر و صفا، خیر و برکت، لطف و مرحمت بی پایان الهی بودند ولی سراسر عمر خویش را در کمال غربت، ناشناخته به سر بردند، جز چهاردهمین معصوم که قرنهاست پرده نشین غیبت است و گوش به فرمان ذات ذوالجلال دارد تا کی دوران محنت بار و جانفرسای انتظار به سر آید... و روز آزادی بشر از دردها و رنجهای بی شمار فرا رسد.

و ما امید داریم به محبت پناه بی پناهان، خدای مستمندان در شب قدری که فراروی خود داریم.

آری باید در آن شب شکوائیه هجران را درنوردیم و به

امید وصل و دیدار در آن شب موعود بیدار بنشینیم و از خداوند بخواهیم که بر ما بیچارگان عالم رحم کند و بیش از این ما بندگان را با این همه گرفتاری و بیچارگی و... تنها نگذارد. و باید در آن شب موعود در محبت خود به حجت بر حق زمان مهدی و بر عشق خود به خدای لایزال ثابت قدم باشیم.

همان شبی که باید به یاد روی آن محبوب عزیز و آن یار آواره از دیار و پنهان رخسار، با دردمندیهای عاشقانه بنالیم و دیدار روی او و نجات انسانهای مظلوم و محروم را بخواهیم.

آری باید با محبت و از صمیم دل انتظار آن روز را بکشیم که هر چه زودتر فرا رسد و بشریت و عالم هستی از این همه گرفتاری و ستم نجات یابد. و نیز ما مسلمانان جهان باید سعی کنیم بیشتر از گذشته در مورد علائم آخر الزمان آگاهی داشته باشیم زیرا ندانستن علائم باعث می شود تا ما متوجه شواهد نشویم و حساسیت زمان را در نیابیم در حالیکه در همین مورد امام صادق (ع) به یار وفادارش مُفَضَّل بن عمر پیرامون مسائل حضرت مهدی و داستان ظهورش فرمود:

ای مُفَضَّل اخبار مهدی را به شیعیان ما باز گوی تا در دین خود به شک و تردید نیفتند

بشاره الاسلام ص ۲۶۷

و نیز در آیه اول سوره انبیاء آمده است

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ

حساب مردمان نزدیک شد ولی آنها از روی غفلت روی

می گردانند.

و حال ای شیعیان علی (ع) ما باید نسبت به خودمان عادل و قضاوت صادقانه داشته باشیم و اگر براستی بین آن عده افرادی هستیم که غفلت داریم و بی خبر از علائم آخر الزمان می باشیم پس بدانیم که حذر از غفلت برای ما داروی درد است و با بیداری و شناخت علائم شفا خواهیم یافت و اگر نه بین آن عده افرادی هستیم که بدون غفلت مسیر حق را طی می کنیم و تا حدی به علائم و شواهد آشنا هستیم پس خدا را در آن حال شاکر باشیم و بیشتر از گذشته تلاش کنیم و امید به رستگاری و پیروزی داشته باشیم

و ما مردم عصر حاضر که عصر خود را دوران مشعشع طلائی، عصر تسخیر فضا، قرن شکافتن اتم، عصر شکوفائی علوم، دوران ایمان به ارزشها و معیارها و زمان سپری شدن ضد ارزشها می دانیم و می نامیم، بر ماست که واقعیتها را بپذیریم، از پذیرش حقایق سر نتابیم. آنچه را که بر سر انسان در کشاکش دوران آمده است بپذیریم و باور کنیم و اگر صفحات تاریخ را ورق بزنیم با تمدنهای فراوانی در گذشته آشنا می شویم که روزگاری بر منطقه پهناوری درخشیده، ولی هنگامی که از ناموس فطرت و آئین خلقت سر پیچی نموده، دچار سوانح شده و در کام طوفانها فرو رفته و در بوته فراموشی قرار گرفته اند، اینها اثر وضعی فرو رفتن در طغیان و عصیان است، اگر چه ظاهرا یک سانحه و

فاجعه چون زلزله، طاعون، وبا، جنگ و نظیر آنها بهانه شده است.

و اگر صفحات تاریخ این درس را به ما می آموزد، ما چرا به خودمان دروغ بگوئیم و خود را گول بزنیم؟
چرا به ندای فطرت گوش ندهیم که از اعماق درون خود در می یابیم که به ما می گوید

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

مومنون ۱۱۵

آیا خیال می کنید که ما شما را عبث آفریده ایم و شما به سوی ما باز نخواهید گشت؟

چه کسی است که این پرسش را از اعماق مغز خود نشنود که از کجا آمده ام؟ برای چه آمده ام؟ و به کجا می روم؟
آیا این آمدن صرفاً برای خوردن و نوشیدن و بازی کردن در یک صحنه آزاد و پشت سر هم آمدن شب و روز، و سپس مردن و نیست شدن و فراموش شدن می باشد؟

در حالیکه همین انسان که در کره زمین زندگی می کند در بسیاری از امور با جانوران شریک است. جانوران نفس می کشند، حرکت می کنند، می خورند، می خوابند، تولید مثل می کنند، اصوات را می شنوند، اشیاء را می بینند، عواطف و لذتهایی دارند و دردها و آسیبهایی نیز به آنها می رسد.

و انسان این موجود دو پا از این جهات مانند جانوران و

حیوانات است، بلکه انسان تربیت نیافته و انسان گمراه در بسیاری از امور و صفات و احوال حیات مادی از جانوران نیز پست تر است و ناتوان بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.

آری انسان تا هنگامی که همین ظواهر را بنگرد و با همین ظواهر سر و کار داشته باشد اسیر خور و خواب و خشم و شهوت باشد و شناخت درستی از حقایق عالم و حقایق وجود خود نداشته باشد، با حیوانات، فاصله چندانی ندارد، انسان هنگامی از این مرحله فاصله می‌گیرد که از مراحل ظاهری بگذرد و خود را به مرحله باطن برساند.

و در واقع انسان باید از وجود مُلکی خود فراتر رود و به ملکوت خویش پی برد و به آن برسد و آن را بیابد و سپس از راه پی بردن به واقعیت وجودی خویش به واقعیت وجودی و ملکوت دیگر اشیاء نیز پی برد و برسد و بیابد و در جهت تکامل مسیر را طی کند که حرکت تکاملی انسان در همان صراط مستقیم امکان پذیر می‌باشد و حرکت به سوی خدا بدون شناخت حجت خدا که راهنمای این راه است ممکن نخواهد بود. و در همین رابطه پیامبر گرامی فرمودند:

هر کس حقیقت زمان خویش را (که امام زمان حاضر یا غائب مظهر آن است) درک نکرده بمیرد، معدوم محض می‌شود. نابودی محض در آن است که شخص حقیقت زمان خویش را درک نکند.

و در اینجا منظور از معدوم محض این است که شناسد حقیقت زمان را و از نظر هدایت الهی و معرفت اسلامی در زمره هدایت نیافتگان و مردمان عصر جاهلیت باشد.

و اگر کسی بخواهد از نجات یافتگان باشد باید امام زمان خود را بشناسد و او را واجب الإطاعه و واسطه نزول رحمت و الطاف الهیه قرار دهد و از قوانین طبیعت سر پیچی نکند و در رفتار خود تجدید نظر نماید. هدف اساسی و علت نهائی جهان آفرینش را مورد مطالعه دقیق قرار دهد، در تعیین سر نوشت خویش و دیگر انسانها دقت کند، تا در کشیده شدن انسانها به سوی منجلاب و تباهی و هلاکت سهم نباشد و خود در دره ضلالت سقوط نکند.

زیرا از مطالعه تاریخ امتهای می توان دریافت که طبیعت به کسی که از آئین فطرت سر پیچی کند، رحم نمی کند و از کسیکه به حریم قوانین خلقت تجاوز کند انتقام می گیرد، کجا رسد به کسیکه به حریم قوانین الهی تجاوز کند.

و از سوی دیگر طبق شواهد موجود در عالم تردیدی نیست که ما اهل آخرالزمان هستیم و نشانه های آخرالزمان یکی پس از دیگری واقع شده و یا در شرف وقوع است و اینک منتظر فرا رسیدن همه حوادثی هستیم که برای اهل آخرالزمان وعده داده شده است و اشکال بزرگ ما این است که از یک سو می پذیریم که ما اهل آخرالزمان هستیم و از دیگر سو با تمام

قدرت به سوی حوادث جانکاهی که برای مردم آخرالزمان وعده داده شده می‌شتابیم، درست مثل کسی که آتش فروزانی را می‌بیند و خود را به درون آن می‌افکند.

آری زمان، همان آخرالزمان است که رسول گرامی (ص) و جانشینان معصوم آن بزرگوار وعده داده‌اند و به هنگام ارشاد مردمان و کاشتن درخت ایمان در کشتزار دل آنان به تناسبهای مختلف از آخرالزمان و مردمان آن سخن گفته‌اند و صفات آنها را آنچنان دقیق بیان کرده‌اند که امروز با مطالعه آنها هیچ تردیدی نداریم در اینکه ما اهل آخرالزمان هستیم و همه نویدهای معصومان در مورد عصر ماست و این است که باید کوشید تا به هر اندازه که ممکن است با حقیقت زمان و روح جهان آشنا شد و به او متوجه گشت، تا حیات انسان، حیات بیداری و شناخت باشد و مرگ او نیز مرگ بیداری و شناخت و صعود، نه مرگ جاهلیت و سقوط.

زیرا انسان هر آن گونه که زندگی کند همان گونه

می‌میرد

در حالیکه ما باید آرزو کنیم و از خدای سبحان بارها و بارها بخواهیم که انشاءالله عمر ما کفاف دهد و ظهور آن یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (ع) را ببینیم، در یاریش بکوشیم و در خدمتش از هیچگونه تلاش فرو گذار نباشیم.

زیرا آن روز مبارک همان روزی است که همه جهانیان

زیر لوای حکومت آن منجی عزیز قرار خواهند گرفت و نور اسلام تمام جهان را فرا گرفته و تمام ادیان را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

و والاترین هدفی که در رأس اهداف عالیة حکومت حقّه حضرت بقیّه الله روحی فداه می باشد، برچیده شدن بساط شرک و الحاد و پیاده شدن مکتب توحید است.

و دومین هدف حضرت بقیّه الله روحی فداه گسترش دانش و فرهنگ در سطح جهانی است بطوریکه همه از نعمت سواد در سطح عالی برخوردار می شوند.

از حضرت اباعبدالله الحسین (ع) روایت شده است که:

علم ۲۷ حرف است، پس تمام علومیکه از پیغمبرهای سلف آورده اند راجع به دو حرف است و بیست و پنج حرف دیگر ظاهر می شود و قتیکه قائم ما خروج فرماید و آن دو حرف گذشته را هم به آن ضمیمه کند تا ۲۷ حرف تکمیل شود و همه قسمت های علوم در میان مردم انشاء الله انتشار پیدا خواهد کرد. بامید آروز.

و بدون شک علم آروز برای ما غیر قابل درک و تصور است ولی امید داریم زنده باشیم و آروز موعود را ببینیم و شاهد باشیم که دیگر بیماری از درد و معلولی از غم و غصه نمی نالد و جنون و دیگر بیماریهای لا علاج و مشکلات لاینحل انشاء الله برای همیشه از بندگان خدا دور شده و انسانها در آن زمان

در کنار ناجی خود نفس راحت خواهند کشید و نیز در منتخب الاثر ص ۴۸۳ آمده است.

وَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا
عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ

چون قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمت و قدرت خود را بر سر بندگان می گذارد و قدرت تفکر آنها را بالا می برد و عقل های آنها را کامل می کند.

و در همین مورد امیر مؤمنان (ع) می فرماید:

كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ
النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ

گوئی شیعیان را با چشم خود در مسجد کوفه می بینم که چادرهائی زده اند و قرآن را آنچنانکه نازل شده می آموزند. و سوّمین هدف آن حضرت برچیدن بساط ظلم و ستم و گستردن عدالت اجتماعی در سطح جهانی است.

آری به امید روزی هستیم که قائم آل محمد (ص) از پس پرده غیبت بدر آید و جهان را از این ظلم و بیداد نجات بخشد و بندگان درد و غم کشیده عالم را زیر سایه خود زندگی دوباره بخشد.

منتظر در انتظارش باش

(پایان قسمت نهم طاووس بهشتیان)